

نگاهی به چگونگی نزول سوره‌های قرآن کریم*

محمد خامه‌گر^۱

چکیده:

در روایات، کیفیت نزول سوره‌های قرآن به سه روش نزول تدریجی و پیاپی سوره، نزول تدریجی و پراکنده آیات سوره و نزول دفعی سوره گزارش شده است. به‌رغم اینکه همه مفسران به نزول دفعی برخی از سوره‌های قرآن اشاره کرده‌اند، ولی بعضی از مفسران ضمن پذیرش این مطلب تأکید دارند که کیفیت نزول بسیاری از آیات در سوره‌ها به‌صورت پراکنده و متناسب با شرایط و مقتضیات خاصی بوده است و سپس به دستور پیامبر یا اجتهاد صحابه در کنار هم چیده شده‌اند. در این مقاله با ارائه دلایلی، این واقعیت اثبات شده است که قرآن کریم فقط به‌صورت سوره‌ای نازل شده است و دیدگاه رایج در کیفیت نزول برخی از سوره‌های قرآن به‌صورت آیات جداگانه نادرست می‌باشد. سپس شبهاتی که ممکن است برای رد نظریه نزول سوره‌ای قرآن از سوی مخالفان این نظریه ارائه شود، نقد و بررسی شده است. بر اساس تحقیقات انجام شده در این مقاله، دیدگاه نزول پیوسته سوره‌های قرآن دلایل قرآنی و روایی محکمی دارد، اما برای دیدگاه نزول آیه‌ای برخی از سوره‌های قرآن هیچ دلیل قرآنی و روایی قابل قبولی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها:

نظم نزولی قرآن / پیوستگی نزول سوره‌ها / چینش آیات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۸، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۵/۳۰.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2017.46911.1458

مقدمه: روش‌های نزول سوره‌های قرآن در روایات

نزول تدریجی قرآن از موضوعاتی است که اخبار و روایات زیادی بر آن دلالت دارند. مهم‌ترین دلیل بر این امر، تصریح خود قرآن است که خدای متعال در بیان چگونگی نزول قرآن می‌فرماید: ما قرآن را بخش‌بخش کردیم تا آن را با درنگ و تأمل بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم؛ ﴿وَقرآنًا فرقناه لتقرأه على الناس على مكثٍ ونزلناه تنزیلاً﴾ (اسراء/۱۰۶). این آیه به صراحت نشان می‌دهد که قرآن کریم به تدریج بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل می‌شد و ایشان هم به همین ترتیب، قطعه‌های نازل شده از قرآن را بر مردم قرائت می‌نمودند. با آنکه در اصل تدریجی بودن نزول قرآن کریم تردیدی نیست، ولی درباره کیفیت نزول تدریجی برخی از سوره‌های قرآن کریم اختلاف است؛ زیرا در روایات مربوط به نزول آیات سوره‌های قرآن، به سه روش متفاوت در نزول سوره‌ها اشاره شده است. این روش‌ها بدین شرح است:

۱. نزول تدریجی و پیاپی سوره

مراد از نزول تدریجی و پیاپی یک سوره این است که آن سوره دارای چند واحد نزول باشد و آیات آن به صورت تدریجی نازل شوند، ولی چینش آیات در سوره به ترتیب طبیعی باشد. بدین ترتیب که اگر به فرض سوره دارای صد آیه باشد، آیات ۱ تا ۳۰ در یک مرحله نازل شده‌اند و پس از مدت اندکی، آیات ۳۱ تا ۴۰ نازل شده و در نهایت با فاصله کمی، آیات ۴۱ تا ۱۰۰ نازل شده‌اند و در لابه‌لای نزول آیات این سوره، هیچ سوره یا آیه مربوط به سوره دیگری نازل نشده است. روایاتی که بر نزول سوره‌های قرآن به این شکل دلالت می‌کند، بر این نکته تأکید دارند که نزول هر سوره با نزول بسمله آن آغاز می‌شد و نزول بسمله جدید نشانه‌ای بر پایان یافتن آیات سوره قبل و سرآغاز نزول آیات سوره بعدی است. در ادامه این نوشتار به تفصیل بررسی خواهند شد.



۲. نزول تدریجی و پراکنده آیات سوره

مراد از نزول پراکنده آیات سوره این است که آیات یک سوره در چند مرحله ناپیایی و لابه‌لای نزول آیات سوره‌های دیگر نازل شود؛ به‌گونه‌ای که برخی از آیات سوره بعد از نزول بسمله بعدی نزول می‌یابند. در این روش نزولی، پرونده نزول آیات سوره‌ها ممکن است تا پایان نزول قرآن همچنان باز بماند و هر از مدتی یک آیه از آن نازل شود و سپس به دستور پیامبر، این آیه در جایگاه خود در سوره مربوطه قرار داده شود.

برای نمونه در روایات شأن نزول، کیفیت نزول آیات سوره بقره به‌صورت تدریجی و پراکنده گزارش شده است. سوره مبارکه بقره طولانی‌ترین سوره قرآن و اولین سوره مدنی است که پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه، نزول آن آغاز شد (سیوطی، الدر المنثور، ۱۰/۱) و بخش عمده آیات آن در ماه رمضان سال دوم هجری، هم‌زمان با جنگ بدر پایان یافته است (جوادی آملی، ۳۸/۲)، ولی برخی از آیات آن به گزارش روایات شأن نزول، در سال دهم هجرت نازل شده‌اند. مثلاً بر اساس این روایات، آیه ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره که درباره به پایان رساندن مناسک حج و عمره پس از احرام است، در سال دهم هجری و در جریان حجة الوداع نازل شده است (کلینی، ۲۴۸/۴) و عبارت پایانی آیه ۲۸۲ این سوره ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ نیز آخرین آیه‌ای بود که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و وقتی جبرئیل آن را نازل کرد، به ایشان گفت: آن را میان آیه ربا و آیه دین در سوره بقره قرار بده (سیوطی، الاتقان، ۱۱۴/۱).

با توجه به این روایات، پرونده نزول سوره بقره از سال نخست هجرت تا سال دهم باز بوده و آیات آن به‌صورت پراکنده و ناپیایی نازل شده است؛ همان‌طور که برخی از مفسران گفته‌اند که این سوره یکباره نازل نگشته، بلکه هر بار قسمتی از آن به مقتضای ضرورت نازل شده است (قرشی، ۴۱/۱؛ دروزه، ۱۲۳/۶؛ ابن عاشور، ۸۹/۱).

۳. نزول دفعی سوره

مراد از نزول دفعی سوره این است که همه آیات سوره در یک واحد نزول به ترتیب موجود در قرآن، بر رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده و هیچ یک از آیات آن با فاصله و یا به صورت جداگانه نازل نشده است. در روایات بر نزول دفعی بسیاری از سوره‌های کوچک قرآن و برخی از سوره‌های بزرگ مانند سوره انعام تأکید شده است. برای نمونه ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده که سوره انعام هم‌ماش یکباره نازل شد و به وقت نازل شدن، هفتاد هزار فرشته آن را مشایعت کرده‌اند (طبرسی، ۴/۴۲۱).

بیان مسأله

در این نوشتار با ارائه دلایل متعدد و پاسخ به شبهات احتمالی، در صدد اثبات این واقعیت هستیم که اکثر قریب به اتفاق سوره‌های قرآن به صورت دفعی و یکباره بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزول یافته‌اند و تعداد اندکی از سوره‌های قرآن نیز به صورت تدریجی و پیاپی نازل شده و هیچ یک از سوره‌های قرآن، به صورت پراکنده بر ایشان نازل نشده است.

در پژوهش مستقلی که نگارنده انجام داده است، با بررسی بیشتر سوره‌های قرآن، به این نتیجه رسیده که بیش از صد سوره قرآن به صورت دفعی نازل شده و فقط حدود هفت سوره قرآن مانند سوره بقره و نساء به صورت تدریجی و پیاپی نازل شده‌اند، و برخلاف نگرش مشهور در میان برخی از مفسران که بر نزول جداگانه و ناپیوسته آیات برخی از سوره‌ها تأکید دارند، هیچ یک از آیات سوره‌های قرآن بدین صورت نازل نشده و حتی اگر سوره‌ای مانند بقره در مدت دو سال نازل شده باشد، ممکن نیست لابه‌لای نزول این سوره، آیه‌ای از سوره دیگر نازل بشود یا یک آیه از این سوره در سال‌های بعد و پس از نزول سوره‌های متعدد در حجة‌الوداع نازل شود، بلکه دسته آیات سوره بقره به طور مرتب نازل شده‌اند و پس از اتمام نزول آیات این سوره، نزول آیات سوره انفال آغاز شده است. برای اثبات



این دیدگاه، دلایل قرآنی و روایی محکمی وجود دارد و هیچ یک از شبهات و نقدهایی که برای رد این دیدگاه ممکن است مطرح بشود، قابل قبول نمی‌باشد.

درباره دیدگاه مفسران پیرامون کیفیت نزول سوره‌های قرآن، توجه به این نکته لازم است که همه مفسران به نزول دفعی برخی از سوره‌های قرآن اعتقاد دارند، اما بسیاری از مفسران هنگام تفسیر سوره‌های قرآن، با اعتماد بیش از اندازه به روایات اسباب نزول و یا پذیرش وجود آیات مکی در سوره‌های مدنی و بالعکس، بر نزول جداگانه آیات یک سوره با فاصله زمانی زیاد تأکید کرده‌اند و بدین ترتیب، دیدگاه نزول پراکنده آیات را تقویت می‌نمایند. در مقابل برخی از قرآن‌پژوهان و مفسران به این عقیده گرایش دارند که اصل در نزول قرآن، پیوستگی در نزول است و خلاف آن نیازمند دلیل است. مراد از این اصل آن است که اکثر قریب به اتفاق سوره‌های قرآن به صورت دفعی نازل شده و بقیه سوره‌ها نیز به صورت پیوسته نازل شده‌اند و میان نزول آیات آنها، آیه‌ای از سوره‌های دیگر نازل نشده است. این گروه از قرآن‌پژوهان معتقدند اصلی‌ترین واحد نزول قرآن، سوره‌ها بوده‌اند که این سوره‌ها یا یکبار نازل شده‌اند، و یا اینکه در چند مقطع زمانی ممتد و پشت سر هم، به صورت تدریجی، پیوسته و کاملاً منظم نازل شده‌اند (نکونام، ۸۵). در این نوشتار با ارائه دلایل متعدد، بر صحت این قول تأکید و ثابت می‌شود که هیچ یک از آیات قرآن به طور پراکنده و در لابه‌لای آیات سوره‌های دیگر نازل نشده است و چنین احتمالی غیر مستند و غیر قابل دفاع است.

دلایل اثبات نزول سوره‌های قرآن کریم

دلایل متعددی حاکی از آن است که اکثر قریب به اتفاق سوره‌های قرآن به صورت سوره‌ای نازل شده است و سوره‌هایی هم که به تدریج نازل شده‌اند، واحدهای نزول آنها به صورت پیاپی و پشت سر هم بوده است. مهم‌ترین دلایلی که بر وحدت نزول سوره‌های قرآن یا نزول پیاپی آیات آنها دلالت می‌کند، بدین شرح است:

۱. تصریح قرآن به نزول سوره‌ای آیات

مهم‌ترین دلیل بر نزول آیات قرآن به صورت سوره‌ای این است که آیات متعددی از قرآن کریم به این حقیقت تصریح می‌کنند که وقتی خداوند می‌خواهد مطلبی را بیان کند، درباره آن سوره‌ای را نازل می‌کند و هیچ گاه نمی‌فرماید درباره آن یک یا چند آیه جداگانه را نازل می‌کند. پنج آیه قرآن که به این حقیقت اشاره می‌کنند که به ترتیب نزول به شرح زیر می‌باشند.

نخستین آیه‌ای که در آن به نزول سوره‌ای قرآن کریم تصریح شده است، آیه ۲۰ سوره محمد ﷺ است: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ﴾ سوره محمد ﷺ نودوپنجمین سوره نازل شده قرآن در مدینه است (بهجت‌پور، ۴۲۴). در این آیه با استفاده از صیغه مضارع «يَقُولُ»، به درخواست مستمر مؤمنان عصر نزول برای نزول سوره‌ای که در آن فرمان جنگ صادر شده باشد، اشاره شده است و می‌فرماید: اهل ایمان مشتاقانه می‌گویند: «چرا سوره‌ای جدید نازل نمی‌شود که در آن فرمان جهاد باشد؟» با آنکه قبل از نزول سوره مبارکه محمد ﷺ، آیه‌ای مانند ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَكُمْ﴾ (بقره/۲۱۶) نازل و در آن فرمان جهاد با دشمنان صادر گشته بود، اما مؤمنان از خدا نخواستند که آیه‌ای نازل کند و در آن فرمان جهاد بدهد؛ زیرا پس از نزول نودوچهار سوره قرآن متوجه شده بودند که هیچ گاه یک آیه به صورت جداگانه نازل نمی‌شود و اگر قرار باشد آیه‌ای درباره جهاد با دشمنان دین نازل شود، حتماً در ضمن یک سوره نازل خواهد شد.

دومین آیه‌ای که در آن به نزول سوره‌ای قرآن کریم تصریح شده است، آیه ۶۴ سوره توبه است: ﴿يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ در این آیه خدای سبحان می‌فرماید: «منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای بر ضد آنان نازل گردد و اسراری را که درون قلبشان است، افشا کند». سوره توبه آخرین سوره نازل شده قرآن است (همان، ۴۹۶). این آیه نیز بیانگر این حقیقت است که نه تنها مؤمنان، بلکه



منافقان هم به این نکته توجه داشتند که اگر قرار باشد خداوند مطلبی علیه آنها بیان کند، آن را با نزول یک سوره بیان می‌کند، نه با نزول یک یا چند آیه مستقل.

افزون بر این آیات، سه آیه دیگر نیز در سوره توبه وجود دارد که در آنها بر نزول سوره‌ای آیات قرآن تصریح شده است. این آیات عبارت‌اند از آیه ۸۶: ﴿وَ إِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةً أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ جَاهَدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَ قَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾، آیه ۱۲۴: ﴿وَ إِذَا مَا أَنْزَلْتَ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيْكُمُ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ و آیه ۱۲۷: ﴿وَ إِذَا مَا أَنْزَلْتَ سُورَةً نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾.

آیات فوق بیانگر این نکته‌اند که سوره به‌عنوان واحد رسمی نزول، در اذهان عمومی مردم در عصر نزول تشخص داشته و آنها می‌دانستند که وقتی خداوند می‌خواهد مردم را به ایمان به خود و همراهی با پیامبر برای جهاد با دشمنان فرا خوانده و یا ایمان انسان‌ها را ارزیابی کند، سوره‌ای را نازل می‌کند، در حالی که این حقایق در آیات متعددی از قرآن نیز به‌صورت کامل ذکر شده بود، اما هیچ‌گاه به جای تعبیر نزول سوره، از تعبیر نزول آیه یا آیات برای بیان یک مطلب استفاده نشده است.

با توجه به اینکه در آخرین سوره نازل شده قرآن چندین بار این مطلب تکرار می‌شود که همیشه معارف دینی با نزول یک سوره بیان شود، دلیل محکمی برای اثبات این حقیقت است که تا آخرین روزهای نزول قرآن، هنوز این سنت الهی ادامه داشته است که آیات قرآن به‌صورت سوره‌ای نازل می‌شده، نه به‌صورت آیه مستقل یا دسته آیات غیرمرتبط با آیات دیگر.

تنها اشکالی که ممکن است برای رد این دلیل قرآنی مطرح شود، این است که واژه سوره در زمان ما اصطلاحی است که بر ۱۱۴ مجموعه مستقل قرآن اطلاق می‌شود، اما در کاربرد قرآنی، سوره مجموعه‌ای از آیات است که دارای یک سیاق بوده و درباره یک موضوع واحد است. بعضی از قرآن‌پژوهان با تکیه بر معنای لغوی واژه سوره، این دیدگاه را تقویت کرده و گفته‌اند: سوره در لغت به‌معنای

هیجان همراه با بلندی و رفعت است و هر دسته از آیات قرآن که مطالبی شورانگیز و ارزشمند داشته باشد، در قرآن سوره نامیده می‌شود و گرچه یکی از مصداق آن ۱۱۴ سوره قرآن است، اما کاربرد این واژه منحصر در این مصداق نیست. برای نمونه آیه ﴿يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ (توبه/۶۴) نمی‌گوید منافقان از نزول یک سوره کامل وحشت داشتند، بلکه از نزول دسته‌ای از آیات که محتوایی ارزشمند و شورانگیز داشته باشد که ماهیت آنها را افشا کرده و فرمان جهاد علیه آنها را صادر کند، وحشت داشتند (مصطفوی، ۲۵۹/۵). بر اساس این دیدگاه، از این آیات نمی‌توان برداشت کرد که سوره صرفاً «آیات ما بین دو بسمله» است، بلکه دسته‌ای از آیات همجوار هم که درباره یک موضوع باشند، در اصطلاح قرآن یک سوره است.

در پاسخ به این اشکال باید به این نکته توجه داشت که واژه «سوره» یکی از اصطلاحات قرآنی است که به دو دلیل از همان عصر نزول قرآن به معنایی که امروز متداول است، به کار می‌رفته است. دلیل نخست قراین قرآن است که نشان می‌دهد مراد از سوره در کاربرد قرآنی، همان معنای متداول امروز است. یکی از قراین، استفاده از واژه «سوره» در همه آیات تحدی است. برای نمونه به مدعیان ساختگی بودن قرآن می‌فرماید: اگر شما هم می‌توانید، ده سوره مانند قرآن بیاورید؛ ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بَعْشَرَ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَفْتَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (هود/۱۳). با توجه به این نکته که تحدی دعوت به همانندآوری است و آنچه مورد تحدی است، باید کاملاً مشخص و معروف باشد تا شخص مدعی بدانند دقیقاً مانند چه چیزی را باید بیاورد، بنابراین اگر منظور از سوره قسمتی از آیات هم‌موضوع باشد، اصل و اساس تحدی منتفی می‌شود؛ چرا که مدعی نمی‌داند در همانندآوری چه حدی را باید رعایت کند. در نتیجه، منظور از سوره در آیات تحدی، همان فصول ۱۱۴ گانه قرآن کریم است.

قرینه دیگر آیه نخست سوره نور است ﴿سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾. در این آیه، خداوند سوره نور را «مجموعه‌ای از فرایض



و آیات بینات» معرفی کرده است. با توجه به اینکه در سوره نور موضوعات مختلفی مانند اصول ترویج عفت و پاکدامنی در جامعه (آیات ۱ تا ۳۴)، مباحث توحیدی (آیات ۳۵ تا ۵۷)، اصول ترویج عفت در خانواده (آیات ۵۸ تا ۶۱) و ضرورت پیروی از فرمان خدا و پیامبر در مسائل زندگی (آیات ۶۲ تا ۶۴) مطرح شده است، بنابراین اگر سوره به معنای «مجموعه‌ای از آیات هم‌موضوع و هم‌سیاق» باشد، باید در آیه نخست سوره نور به جای استفاده از واژه مفرد «سوره»، از تعبیر «سور» که جمع سوره است، استفاده می‌شد تا به همه دسته آیات موجود در سوره اشاره شده باشد.

دلیل دوم برای اثبات این نکته که واژه «سوره» در عصر نزول قرآن به معنایی که امروز متداول است به کار می‌رفته، این است که این واژه در روایات نبوی نیز به معنای مصطلح استفاده شده و در هیچ روایت یا نقل تاریخی، واژه سوره در معنایی غیر از سوره‌های ۱۱۴ گانه قرآن کریم به کار نرفته است. برای نمونه از آنس نقل شده که پیامبر ﷺ فرمود: کسی که آیات آخر سوره حشر را بخواند، هر گاه در آن روز یا شبش بمیرد، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود (مجلسی، ۳۰۹/۹۲). در این روایت با وجود آنکه آیات آخر سوره حشر درباره یک موضوع مستقل یعنی تبیین صفات الهی است، اما پیامبر اکرم این آیات را یک سوره نامیده و از آنها با تعبیر «آیات آخر سوره حشر» یاد کرده است.

سایر روایات مرتبط با فضایل سوره‌های قرآن و روایات مرتبط با ویژگی‌های سوره‌های قرآن، همگی بر این نکته دلالت دارند که واژه سوره در عصر نزول، صرفاً دسته‌ای از آیات هم‌موضوع نبوده، بلکه همان فصول ۱۱۴ گانه قرآن است و هر جا در روایات معصومان علیهم‌السلام و نیز نقل‌های تاریخی سخن از سوره به میان آمده، همان معنایی است که اشاره شد.

۲. روایات نزول سوره در میان دو بسمله

دومین دلیل بر نزول دفعی و یا پیاپی سوره‌های قرآن، روایاتی است که در کتب روایی فریقین نقل شده و بر نزول سوره‌ها میان دو بسمله گواهی می‌دهند. روایات

زیادی در منابع شیعه و اهل سنت بر این نکته تأکید دارند که نزول هر سوره با نزول بسمله آن آغاز می‌شد و نزول بسمله جدید نشانه‌ای بر پایان یافتن آیات سوره قبل و سرآغاز نزول آیات سوره بعدی است. متن این روایات از راویان شیعه به شرح زیر می‌باشد:

۱- از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «إِنَّمَا كَانَ يَعْرِفُ انْقِضَاءَ السُّورَةِ بِنُزُولِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ابْتِدَاءً لِلْآخِرَى» (عیاشی، ۱۹/۱). امام صادق علیه السلام در این حدیث می‌فرماید: «پایان یافتن سوره‌ها فقط به وسیله نزول عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» به عنوان ابتدای سوره دیگر شناخته می‌شود». در این روایت، امام با به کار بردن ادات حصر «إنما» و کاربرد فعل ماضی استمراری «كان يُعرف»، بر انحصار کیفیت نزول سوره به طور مستمر و همیشگی در میان نزول دو بسمله تأکید کرده است.

۲- سعید بن جبیر که از اصحاب امام سجاد علیه السلام است نیز نقل می‌کند: «أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانُوا لَا يَعْرِفُونَ انْقِضَاءَ السُّورَةِ حَتَّى تَنْزِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَإِذَا نَزَلَتْ عَلِمُوا أَنَّ قَدْ انْقَضَتِ السُّورَةُ وَ نَزَلَتْ آخِرَى» (طبرانی، ۶۴/۱۲): «مؤمنان در زمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پایان نزول سوره‌ها را تنها از نزول «بسم الله الرحمن الرحيم» سوره جدید تشخیص می‌دادند؛ هرگاه بسمله نازل می‌شد، می‌دانستند که سوره پیشین به اتمام رسیده و سوره دیگری نازل شده است.»

اهل سنت نیز از قول ابن عباس و ابن مسعود، روایاتی را با این مضامین نقل کرده‌اند که راه شناخت همیشگی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسلمانان صدر اسلام درباره پایان یافتن سوره‌ها و شروع سوره جدید، نزول آیه شریفه بسمله بوده است. برخی از این روایات بدین شرح هستند:

۱- در سنن ابی داوود از ابن عباس نقل شده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اتمام رسیدن سوره را نمی‌دانست، تا هنگامی که «بسم الله الرحمن الرحيم» بر او نازل شود؛ هرگاه بسمله نازل می‌شد، درمی‌یافت که سوره به اتمام رسیده و سوره دیگری شروع شده است؛ «عن ابن عباس قال قال كان النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لا يعرف خاتمة السورة



حتى ينزل عليه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ فاذا نزلت عرف ان السورة قد ختمت و استقبلت أو ابتدئت سورة أخرى» (ابوداود، ۱/۱۸۳).

۲- حاکم نیشابوری نیز روایتی از ابن مسعود نقل می‌کند که وی گفته است: ما جدایی دو سوره از همدیگر را نمی‌شناختیم، تا زمانی که «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می‌شد؛ «عن ابن مسعود قال كنا لا نعلم فصل ما بين السورتين حتى نزل بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» (حاکم نیشابوری، ۱۰).

نکته مهمی که در این روایات به چشم می‌خورد، این است که همه این نقل‌ها معیار شناخت سوره را با فعل ماضی استمراری بیان می‌کنند. این نوع بیان بدین معناست که این معیار مخصوص چند مورد خاص نبوده، بلکه معیار همیشگی شناخت ابتدا و انتهای سوره‌های قرآن بوده است، از این رو در بعضی از این نقل‌ها به‌طور کلی این امر به دوران پیامبر اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ (فی عهدِ النبی) نسبت داده شده است. همچنین در برخی از نقل‌ها، این معیار راه شناخت برای شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ (کان النبی لا یعرف...) و در برخی دیگر از روایات، راه شناخت برای عموم مسلمانان (أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ كَانُوا لَا يَعْرِفُونَ انْقِضَاءَ) معرفی شده است. بر این اساس مشخص می‌شود که این امر، مطلبی فراگیر و روشن در میان عموم امت اسلامی در عصر نزول قرآن بوده است.

روایات مذکور به‌روشنی نشان می‌دهند که کیفیت نزول قرآن بدین ترتیب بوده است که بسمله سوره‌ای نازل می‌شد و نزول آیات این سوره ادامه داشت تا اینکه بسمله بعدی نازل می‌گشت. نزول بسمله جدید نشان از این بود که پرونده سوره پیشین بسته شده و سوره بعدی آغاز شده است. بنابراین از این روایات می‌توان نتیجه گرفت که همه سوره‌های قرآن یا یکباره نازل شده‌اند، و یا آیات یک سوره به‌صورت پیاپی و بدون نزول آیات سوره‌های دیگر در خلال آنها نازل شده‌اند.

۳. روایات ترتیب نزول

سومین دلیل بر نزول یکپارچه بیشتر سوره‌های قرآن، روایات ترتیب نزول است. روایات ترتیب نزول، دسته‌ای از روایات هستند که به دلالت مطابقی، ترتیب نزول سوره‌های قرآن را گزارش می‌کنند. این روایات به چهارده تن از امامان شیعه، صحابه و تابعان می‌رسد که افراد مذکور عبارت‌اند از: عطاء خراسانی، عکرمه، حسن بصری، ابوکریب از ابن عباس، مجاهد، ابن مسیب از امام علی علیه السلام، امام صادق علیه السلام، عطاء از ابن عباس، ابوصالح از ابن عباس، محمدبن نعمان، جابر بن زید، مقاتل از امام علی علیه السلام، زهری، حسین بن واقد. این روایات که جملگی تقریباً متن واحدی دارند، به لحاظ سند و متن قابل اعتنا می‌باشند (نکونام، ۱۳۴)؛ زیرا اگرچه تمام راویان روایات ترتیب نزول، جز امام علی علیه السلام خود شاهد نزول همه سوره‌های قرآن نبوده‌اند و بنابراین به ظاهر نقل آنان مرسل تلقی می‌شود، اما از پاره‌ای از قراین اطمینان حاصل می‌گردد که سند آنان نیز در اصل به امام علی علیه السلام یا صحابه دیگری که خود شاهد نزول همه یا اغلب سوره‌های قرآن بوده‌اند، می‌رسد. از این رو شهرستانی در خصوص روایات ترتیب نزول مقاتل از امام علی علیه السلام، ابوصالح از ابن عباس، مقاتل و ابن واقد که در مقدمه تفسیرش آورده، می‌نویسد:

«این روایات از رجالی موثق و از کتبی معتبر که گرد شبهه بر آنها نمی‌نشیند،

نقل شده است.» (شهرستانی، ۱/۱۲۷)

زرکشی نیز در زمینه ترتیب سوری که در اثر خود آورده، می‌نویسد:

«این ترتیب بر روایت از موثقان مبتنی است.» (زرکشی، ۱/۲۵۰)

علاوه بر این، کثرت طرق این روایات به حدی است که هرگز احتمال تبانی راویانشان بر کذب و جعل نمی‌رود؛ به خصوص آنکه راویان آنها هرگز گرایش مذهبی و سیاسی واحدی نداشته‌اند. به علاوه طرق این روایات هرگز در یک واسطه مشترکی به هم پیوند نمی‌خورند تا احتمال جعل آن روایات توسط او برود. بنابراین احتمال مجعول بودن این روایات کاملاً منتفی است (نکونام، ۱۳۹). از این رو روایات فوق از اعتبار کافی برخوردار می‌باشند.



در تمامی این روایات، نزول سوره‌های قرآن با ذکر نام سوره گزارش شده و در هیچ یک از این روایات، نزول یک سوره در دو یا چند مرحله گزارش نشده است. لازمه این گزارش‌ها آن است که آیات هر سوره‌ای از قرآن به صورت پی‌درپی نازل می‌شده تا اینکه سوره به پایان برسد.

تنها اشکالی که ممکن است بر این دلیل اقامه شود، سخنی است که آیت الله معرفت از علامه طبرسی نقل کرده که ترتیب سوره‌ها در روایات ترتیب نزول، با نظر به ابتدای هر سوره است؛ اگر سوره‌ای تا چند آیه نازل شود و پیش از اتمام آن سوره، سوره دیگری به‌طور کامل نازل گردد، و حتی چند سوره دیگر در این میان به‌صورت کامل نازل شود، آن‌گاه بقیه سوره نخست نازل شود، در این حالت نیز اعتبار ترتیب نزول، مبدأ نزول هر سوره خواهد بود؛ چنان‌که سوره علق تا پنج آیه در آغاز بعثت نازل گردید و پس از چند سال بقیه سوره نازل شد. همچنین سوره مدثر و سوره مزمل و غیره نیز به همین روال نازل شده‌اند. به همین دلیل سوره علق اولین سوره نازل شده شمرده می‌شود. چنان‌که طبرسی در مجمع البیان (۴۰۵/۱۰) از کتاب «الایضاح» احمد زاهد نقل کرده است (معرفت، علوم قرآنی، ۹۰).

در پاسخ به این اشکال باید به سه نکته توجه نمود. اولاً دلایلی که برای اثبات نزول دفعی و پیاپی سوره‌های قرآن ارائه شده است، این احتمال را نفی می‌کند که بخشی از یک سوره نازل شود و سپس چند سوره دیگر نازل شوند و آن‌گاه بخش بعدی آن سوره نازل گردد. ثانیاً با توجه به اینکه هدف اصلی راویان احادیث ترتیب نزول، گزارش دقیق کیفیت نزول سوره‌های قرآن بوده است، از این رو اگر یک سوره در چند مقطع نازل می‌شد، قطعاً راویان مذکور این مطلب را در جدول ترتیب نزول خود گزارش می‌کردند. ثالثاً آنچه مرحوم طبرسی فرموده، تنها یک احتمال است و هیچ دلیلی برای آن اقامه نشده است.

۴. انسجام لفظی و محتوایی سوره‌های قرآن

دلیل دیگری که برای اثبات نزول دفعی و پیاپی سوره‌های قرآن می‌توان ارائه نمود، انسجام موجود در سوره‌های قرآن است. با تأمل در سوره‌های قرآن و نگاه

کلی و فراگیر به آیات یک سوره، یک نوع انسجام و هماهنگی میان آیات هر سوره از قرآن دیده می‌شود که آنها را بسته‌ای هدفمند و یکپارچه نشان می‌دهد. این انسجام و هماهنگی نشان می‌دهد که هر سوره‌ای در پی غرض خاصی است که تا این غرض کامل نشود، سوره پایان نمی‌پذیرد (طباطبایی، المیزان، ۱۶۷).

یکی از حکمت‌های دسته‌بندی آیات قرآن به واحدهایی به نام سوره از آن رو بوده است که هر سوره بر محور خاصی استوار بوده و پیرامون مفهوم ویژه‌ای سخن می‌گوید. وجود غرض و هدف واحد در هر سوره، برآمده از پیوستگی لفظی، اسلوبی و معنایی آیات هر سوره با یکدیگر است. لازمه انسجام و هماهنگی لفظی و محتوایی آیات هر سوره با یکدیگر این است که یا همه آیات سوره با یکدیگر نازل شوند، و یا حداقل با فاصله اندکی از هم نازل گردند؛ زیرا وقتی آیات یک سوره با هم ارتباط معنایی دارند و همه آیات در راستای بیان یک پیام واحد هستند، فهم کامل محتوای سوره و غرض آن منوط به آن است که سوره به صورت یکباره نازل گردد تا مخاطب بتواند غرض و پیام اصلی سوره را که بیانگر هدف خدای سبحان از نزول سوره است، درک نماید. یا حداقل دسته آیات مرتبط با این هدف با فاصله اندکی نازل شوند تا مخاطب سوره بتواند ارتباط آنها را درک نماید، نه آنکه بخشی از آیات سوره به مناسبتی نازل شود و بخش دیگری که تکمیل‌کننده محتوای بخش اول است، چندین سال بعد و پس از نزول ده‌ها سوره دیگر نازل شود.

با توجه به این اصل عقلایی، علامه طباطبایی، با استناد به آیه ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً﴾ (فرقان/۳۲)، بر نزول پیوسته سوره‌های قرآن تأکید کرده و می‌گوید:

«عبارت «وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» اشاره به نظم خاص قرآن در هنگام نزول آیات و سوره‌ها دارد و مراد از آن این است که ما این تعلیمات را در عین اینکه قسمت قسمت نازل کردیم، در عین حال بین دو قسمت آن فاصله زیادی نگذاشتیم، بلکه قسمت‌های گوناگون آن را پشت سر هم نازل کردیم تا روابط بین آنها از هم گسیخته نشده و آثار اجزای آن باطل نشود و در نتیجه، غرض از تعلیم آن



تباه نگردد.» (همان، ۲۹۲/۱۵)

بر اساس این اصل عقلایی و قرآنی، باید از پذیرش اقوال و روایاتی که بین نزول آیات یک سوره - که با هم ارتباط معنایی روشنی دارند - فاصله زیادی قرار می‌دهند، اجتناب نمود و بر نادرستی آنها تأکید کرد. برای نمونه برخی از راویان و مفسران بر نزول پراکنده و فاصله‌دار آیات سوره مزمل که ارتباط محتوایی استواری در پرتو غرض سوره با هم دارند، اصرار می‌کنند. علامه طبرسی این دیدگاه را با اشاره به دو روایت از قتاده و ابن جبیر چنین نقل کرده و می‌گوید:

«آیه بیستم سوره مزمل بنا بر روایتی از قتاده، دوازده ماه پس از نزول آیات ۱ تا ۱۹ نازل شده است و بنا بر روایتی از سعید بن جبیر، ده سال بعد از این آیات نازل شده است.» (طبرسی، ۵۶۹/۱۰)

برخی از مفسران و قرآن‌پژوهان فاصله نزولی آیه بیستم سوره مزمل با سایر آیات را بیش از ده سال دانسته و گفته‌اند این آیه پس از هجرت در مدینه نازل شده است؛ زیرا در این آیه از دو موضوع جهاد و زکات سخن به میان آمده که با شرایط نزول سوره‌های مدنی سازگار می‌باشد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۳۱۰/۱). ولی با توجه به ارتباط روشن همه آیات سوره مزمل با غرض این سوره و ایجاد خلل در انتقال پیام سوره به مخاطبان در صورت نزول جداگانه آیه بیستم سوره، هیچ یک از روایات و احتمالات فوق قابل پذیرش نمی‌باشد.

سوره مزمل که در جداول ترتیب نزول سومین سوره نازل شده است، در سال نخست بعثت بر قلب مطهر پیامبر ﷺ نازل شده و پیام اصلی آن، تبیین وظایف پیامبر و مؤمنان برای پیشبرد امر رسالت و زمینه‌سازی برای موفقیت پیامبر در امر تبلیغ دین است. این سوره از سه گفتار تشکیل شده است. در گفتار نخست (آیات ۱ تا ۱۴) خدای سبحان از پیامبر ﷺ می‌خواهد با جدیت بیشتری به عبادت و شب‌زنده‌داری بپردازد و با توکل بر خدا، سخنان ناروای مشرکان را تحمل نماید تا از نظر روحی و فکری، برای ابلاغ وحی آماده‌تر شده و ظرفیت لازم برای تحمل ناسازگاری‌های مخالفان را به‌دست آورد.

در گفتار دوم (آیات ۱۵ تا ۱۹) برای اینکه مخالفت مشرکان با دعوت توحیدی پیامبر کاهش یافته و آماده پذیرش سخنان ایشان شوند، آنها را از سرانجام ذلت‌بار مخالفت با پیامبران خدا آگاه می‌نماید. در این آیات، خدای سبحان به مشرکان مکه هشدار می‌دهد که چنانچه با رسول خدا مخالفت کنند، به سرنوشت ذلت‌بار فرعون دچار خواهند شد و سرانجام به عذاب بزرگ روز قیامت گرفتار می‌شوند.

گفتار سوم (آیه ۲۰) نیز به آماده‌سازی مؤمنان برای همراه شدن با پیامبر ﷺ اختصاص دارد. در این گفتار خداوند از مؤمنان می‌خواهد در حد توان، به عبادت شبانه و قرائت قرآن پردازند و با یادآوری پادش و رحمت الهی، به انجام واجبات و مستحبات مشغول باشند تا جان و روح آنها برای پذیرش کلام الهی آماده گردد. موضوع این آیه همچون آیات نخست، همان نماز شب است که در آیات نخست، خواندن نماز شب بر پیامبر ﷺ امر شده و به ایشان فرمان داده شده که نیمی از شب یا اندکی بیشتر یا کمتر را به نماز شب اختصاص دهند. و آیه پایانی در ادامه آیات نخست، به پیامبر و یاران ایشان تخفیف داده است که چنانچه در شرایطی نتوانستند دقیقاً نیمی از شب یا نزدیک به آن را محاسبه کنند، به مقدار ممکن بدان قیام کنند. اما هرگز این عبادت مهم و انسان‌ساز را به‌طور کامل رها نکنند و یا چنانچه در شرایط غیرعادی مانند بیماری، سفر و یا جنگ واقع شده و نتوانستند این عمل مستحب مؤکد را به‌جا آورند، در این حالت هم هر قدر از نماز شب که برای آنها میسر و ممکن شد، به‌جا بیاورند.

علاوه بر پیوستگی معنایی آیه بیست با آیات آغازین سوره، این آیه ارتباط لفظی آشکاری نیز با آیات قبل دارد؛ بدین ترتیب که ضمائر خطابی کاف در عباراتی مانند «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ» و عبارت «طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ» در آیه بیست به رسول اکرم ﷺ باز می‌گردد که در ابتدای سوره از ایشان با عنوان «مزمّل»، یعنی کسی که بار رسالت را به دوش گرفته است، یاد شده است.

با توجه به ارتباط لفظی و معنایی آیه بیستم سوره مزمّل با آیات دیگر این سوره، در صورتی که آیه بیست چند سال پس از نزول آیات اولیه سوره نازل شده باشد، عملاً محتوای سوره ناقص شده و پیام اصلی سوره برای تبیین وظایف پیامبر



و مؤمنان برای پیشبرد امر رسالت و تبلیغ دین ناتمام می‌ماند. در نتیجه آیه بیستم سوره مزمل باید با آیات قبلی نازل شده باشد و همه آیات سوره مزمل پس از نزول سوره قلم، به صورت دفعی بر پیامبر نازل شده است.

پاسخ به نقدهای احتمالی بر نظریه نزول سوره‌ای قرآن

با توجه به اینکه بسیاری از مفسران در تفسیر برخی از آیات قرآن با استناد به روایات اسباب نزول، بر نزول جداگانه این آیات تأکید کرده‌اند، نگرش عمومی در کیفیت نزول سوره‌های قرآن به این سمت گرایش یافته است که شیوه نزول قرآن غالباً به صورت چندآیه‌ای بوده و در هر مرحله از نزول، مجموعه‌ای از آیات متناسب با مقتضیات و شرایط خاص بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمده و سپس به دستور ایشان یا اجتهاد صحابه، آیات در کنار هم چیده شده و سوره‌ها شکل گرفته است. از این رو گرچه با دلایل ارائه شده در این نوشتار، نظریه نزول دفعی یا پیاپی سوره‌های قرآن تا حد زیادی اثبات گردید، ولی برای تقویت این نظریه لازم است به نقدهای احتمالی که امکان دارد بر این نظریه وارد شود، پاسخی ارائه گردد. مهم‌ترین نقدهایی که ممکن است بر نظریه نزول دفعی اکثر قریب به اتفاق سوره‌های قرآن وارد گردد، به شرح زیر می‌باشد:

۱. دلالت روایات سبب نزول بر نزول آیه‌ای قرآن

مهم‌ترین عاملی که موجب تردید در نزول دفعی سوره‌های قرآن می‌گردد، روایات اسباب نزول است؛ زیرا در بسیاری از این روایات، بر نزول یک یا چند آیه از آیات یک سوره به صورت جداگانه و متناسب با حادثه و شرایط خاص اشاره شده است. برای نمونه در *اسباب النزول* ذیل آیه ۲۹ سوره تکویر، درباره سبب نزول این آیه این روایت ذکر شده که وقتی آیات ۲۷ و ۲۸ سوره تکویر نازل و به این حقیقت اشاره شد که این قرآن تذکری برای جهانیان است ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ و همه را اندرز می‌دهد تا از خواب غفلت بیدار شوند و قرآن برای کسانی که می‌خواهند راه مستقیم را بپویند، مایه بیداری است ﴿لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ

يَسْتَقِيمُ»، ابوجهل گفت: پس اختیار با ماست که اگر بخواهیم، به قرآن ایمان آورده و راه راست برویم، و اگر نخواهیم، به این راه نمی‌رویم. پس از این سخن ابوجهل، خدای سبحان در پاسخ به وی آیه ۲۹ این سوره را نازل کرد و به او فرمود: نه! این گونه نیست، بلکه «شما چیزی را اراده نمی‌کنید، مگر اینکه خداوندی که پروردگار جهانیان است، بخواهد؛ ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (واحدی، ۴۷۳). با توجه به این روایت، همه آیات سوره تکویر با هم نازل شده‌اند و آیه آخر این سوره نیز نزول جداگانه‌ای داشته و به دلیل آنکه چنین روایاتی درباره کیفیت نزول بیشتر سوره‌های قرآن وجود دارد، بنابراین هیچ نمی‌توان ادعا نمود که نزول بیشتر سوره‌های قرآن به صورت دفعی بوده است.

در پاسخ به شبهه فوق باید به این نکته مهم توجه کرد که اولاً بیشتر روایات سبب نزول در حقیقت تطبیق نزول هستند و پس از نزول آیه، توسط راویان بر جریان خاصی تطبیق شده‌اند. ثانیاً روایات سبب نزول از جهت سند ضعیف‌ترین و غیرقابل اعتمادترین روایات هستند و اکثر قریب به اتفاق آنها بر اساس اجتهاد راویان حدیث ساخته شده‌اند؛ همان گونه که علامه طباطبایی درباره سند روایات اسباب نزول می‌گوید:

«گروه انبوهی از محدثین صحابه و تابعین در صدر اسلام به ضبط روایت اسباب نزول همت گماشته بودند و اخبار بی‌شماری در این باره نقل کرده‌اند که البته این روایات از طریق اهل سنت فراوان، ولی از طریق شیعه به صورت اندکی نقل شده است. نکته قابل ملاحظه اینکه همه این روایات مسند و صحیح نیست، بلکه بسیاری از آنها غیر مسند و ضعیف‌اند؛ به گونه‌ای که تتبع و تأمل کافی در اطراف این روایات، انسان را نسبت به آنها بدبین می‌کند.» (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۷۳)

همچنین علامه طباطبایی درباره تطبیقی بودن روایات سبب نزول می‌گوید: «آنچه به عنوان اسباب نزول طرح شده، همه یا بیشتر آن در واقع استنباط راوی است؛ بدین معنا که ایشان عموماً حوادث تاریخی را گزارش می‌کنند، سپس آن



را با آیاتی که قابل انطباق با آن حادثه است، قرین می‌سازند و اسباب نزول آیه محسوب می‌دارند.» (همو، المیزان، ۷۴/۴)

ایشان در کتاب قرآن در اسلام این مطلب را توضیح داده و می‌نویسد:

«از سیاق بسیاری از این روایات پیداست که راوی ارتباط نزول آیه را در مورد حادثه و واقعه، به‌عنوان مشافهه و تحمل و حفظ به دست نیاورده، بلکه قصه را حکایت می‌کند، سپس آیاتی را که از جهت معنا مناسب قصه است، به قصه ارتباط داده و در نتیجه، سبب نزولی که در حدیث ذکر شده، سبب نزول نظری و اجتهادی است، نه سبب نزولی که از راه مشاهده و ضبط به‌دست آمده باشد.» (همو، قرآن در اسلام، ۱۷۳)

آن‌گاه تعارض روایات در ذیل یک آیه را شاهد صدق ادعای خود آورده، می‌گوید:

«گواه این سخن این است که در خلال این روایات، تناقض بسیار به چشم می‌خورد؛ به این معنا که در بسیاری از آیات قرآنی در ذیل هر آیه، چندین سبب نزول متناقض همدیگر نقل شده که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. حتی گاهی از یک شخص مانند ابن عباس یا غیر او در یک آیه معین، چندین سبب نزول روایت شده.» (همان)

ایشان در ادامه دو راه برای توضیح این ناهمگونی بیان کرده و می‌گوید:

«ورود این اسباب نزول متناقض و متهافت دو محمل بیشتر ندارد: یا باید گفت این اسباب نزول، نظری هستند نه نقلی محض، و یا باید گفت همه روایات یا بعضی از آنها جعل شده است.» (همان)

با توجه به آنچه از علامه طباطبایی ذکر شد، روایات اسباب نزول با مشکلات مهمی چون اجتهاد راوی بودن و جعلی بودن بسیاری از این احادیث مواجه هستند، از این رو نمی‌توان با تکیه بر آنها، تعداد واحدهای نزول یک سوره را شناسایی کرد و نظریه دفعی بودن نزول سوره را زیر سؤال برد.

۲. وجود آیات مستثنیات در سوره‌های مکی و مدنی

دومین عاملی که موجب تردید در نزول دفعی سوره‌های قرآن می‌گردد، گرایش برخی از مفسران به وجود آیات مکی در سوره‌های مدنی و وجود آیات مدنی در سوره‌های مکی است که اصطلاحاً به آنها آیات مستثنیات گفته می‌شود. نخستین بار مقاتل بن سلیمان در قرن دوم هجری در تفسیرش، با اجتهاد خویش از آیات مستثنیات یاد کرده و تعداد محدودی از آیات را مستثنا نموده است. پس از وی به تدریج مفسران دیگر با اجتهاد خود بر تعداد این آیات افزودند. تاکنون در منابع تفسیری و علوم قرآنی، از وجود ۱۹۷ آیه مدنی در سوره‌های مکی، و ۲۶ آیه مکی در سوره‌های مدنی نام برده شده است (فائز، ۱۲۷).

برای نمونه آلوسی آیه ۶۴ سوره انفال ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ را از آیات مستثنیات برشمرده و گفته است که بر خلاف سایر آیات سوره انفال، این آیه در مکه و هنگام مسلمان شدن عمر نازل شده است (آلوسی، ۱۴۷/۵). با پذیرش وجود آیات مستثنیات در قرآن کریم، این احتمال تقویت می‌شود که گاه لابه‌لای نزول آیات یک سوره، آیه‌ای از سوره دیگری نازل شده است و در نتیجه، نظریه نزول دفعی و پیاپی سوره‌های قرآن مورد تردید قرار می‌گیرد. ولی به دلیل آنکه عامل اصلی گرایش به آیات مستثنیات اجتهاد مفسران است و این دیدگاه از هیچ پشتوانه روایی برخوردار نیست (مزرعه‌آخوند، ۱۴۲)، این نگرش توانایی تضعیف دیدگاه نزول سوره‌ای قرآن را ندارد؛ همان گونه که قرآن‌پژوهانی مانند آیت الله معرفت، قاطعانه و بدون هیچ شک و تردیدی، وجود آیات مکی در سوره‌های مدنی و بالعکس را به‌طور کامل رد کرده‌اند.

مرحوم معرفت معتقد است بیشتر کسانی که آیات مستثنیات را باور دارند، از روی حدس یا اجتهاد یا نقل ضعیف به این نظر گرایش یافته‌اند و سخن آنها به هیچ نص صحیحی مستند نمی‌باشد (معرفت، التمهید، ۱/۱۷۰). ایشان برای اثبات این ادعا، در کتاب ارزشمند التمهید تمامی آیاتی را که به‌عنوان آیات مستثنیات برشمرده شده است، جمع‌آوری و نقد کرده و ثابت نموده که هیچ یک از این موارد



جزء آیات مستثنیات نیست (همان، ۱۷۰-۲۳۷). ایشان علاوه بر نقد و بررسی تک تک آیات مستثنیات، دو دلیل نیز برای اثبات نادرستی گرایش به وجود آیات مکی در مدنی و بالعکس ذکر می‌کنند: یکی اینکه آیات برحسب ترتیب نزول پشت سر هم چینش می‌شدند، و دیگر اینکه اگر آیه‌ای در مکه نازل شود و در سوره‌ای ثبت نشود تا در مدینه سوره‌ای نازل شود، آن‌گاه در آن قرار گیرد، امری غریب و خارج از روش معمول است (همان، ۱۷۰).

۳. دلالت برخی از آیات بر نزول آیه‌ای قرآن

سومین عاملی که ممکن است موجب تردید در نزول دفعی سوره‌های قرآن گردد، این است که در قرآن کریم همان گونه که از نزول سوره‌ها سخن به میان آمده است، به نزول آیات بینات و نزول یک آیه هم تصریح شده است. برای نمونه در پنج آیه قرآن کریم به نزول دسته آیات با تعبیر «آیات بینات» اشاره شده است که یک نمونه آن، آیه نهم سوره حدید می‌باشد: ﴿هُوَ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾. در چهار آیه قرآن کریم نیز به امکان نزول یک آیه به‌طور جداگانه اشاره شده است که یک نمونه آن، آیه ۳۷ سوره انعام می‌باشد: ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾.

نگاه کلی و غیر دقیق به این آیات ممکن است این شبهه را در ذهن برخی از خوانندگان ایجاد کند که به گزارش قرآن کریم، کیفیت نزول این کتاب آسمانی به سه صورت سوره‌ای، دسته آیات و آیه مستقل بوده و هیچ ضرورتی ندارد که نزول همه سوره‌های قرآن به صورت دفعی یا پیایی باشد.

برای پاسخگویی به این شبهه باید به این نکته مهم توجه شود که در همه آیاتی که سخن از نزول «آیات بینات» به میان آمده، مراد از ذکر «آیات بینات» این است که آیاتی که در سوره‌های قرآن نازل شده است یا معجزاتی که پیامبر ارائه می‌کند، همگی نشانه‌های آشکاری است که هیچ تردیدی در حقانیت آنها نیست و اهل حق به‌وسیله آنها به صراط مستقیم هدایت می‌شوند؛ ﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي

مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿نور/۶۷﴾، اما افراد فاسق این آیات و نشانه‌های روشن را انکار می‌کنند؛ ﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ﴾ (بقره/۹۹). در هیچ یک از آیاتی که در آنها از نزول «آیات بینات» یاد شده، به این نکته اشاره نشده که خداوند با نزول این آیات، مطلب خاصی را بیان می‌کند، در حالی که در هر یک از آیاتی که درباره نزول سوره‌ها بود، به بیان نکته‌ای هنگام نزول سوره اشاره شده بود، بنابراین مراد از نزول آیات بینات، نزول مستقل دسته‌ای از آیات نیست؛ به‌ویژه که گاه به‌صراحت به این حقیقت اشاره می‌شود که این آیات در متن یک سوره بوده و به‌صورت جداگانه نبوده است؛ مانند آیه نخست سوره نور که می‌فرماید: ﴿سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾.

از سوی دیگر، در همه آیاتی که سخن از نزول یک آیه است، مراد از آیه، معجزه الهی است، نه آیه به‌معنای جملاتی از یک سوره. برای نمونه در آیه ﴿وَقَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَنْزِلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (انعام/۳۷) به این نکته اشاره شده که مشرکان گفتند: چرا معجزه‌ای از سوی پروردگار پیامبر همانند معجزات پیامبران گذشته بر ایشان نازل نمی‌شود؟ خدای سبحان به پیامبر می‌فرماید به مشرکان بگو: به‌یقین خدا قدرت دارد که معجزه‌ای نظیر آنچه آنان درخواست دارند نازل کند، ولی این‌گونه درخواست‌های نابجا به سبب این است که بیشترشان شرایط نزول یک معجزه را نمی‌دانند. بنابراین نمی‌توان به هیچ یک از این آیات برای اثبات نزول یک آیه قرآن به‌طور مستقل استناد کرد.

۴. روایات مربوط به چینش آیات برخلاف ترتیب نزول

چهارمین عاملی که ممکن است موجب تردید در نزول دفعی سوره‌های قرآن گردد، برخی از روایات منقول از پیامبر ﷺ است که دلالت بر چینش آیات برخلاف ترتیب نزول دارد. بر اساس تحقیقات برخی از پژوهشگران، مجموع این روایات سه روایت می‌باشد. این روایات هم از جهت سندی و هم از جهت محتوایی دارای مشکل می‌باشند و هیچ یک اعتبار کافی برای اثبات چینش آیات



برخلاف ترتیب نزول را ندارد. برای نمونه به یکی از این روایات و نقدهای وارد به آن اشاره می‌شود.

ابوصالح از ابن عباس نقل کرده که گفت: «آخرین آیه‌ای که از قرآن نازل شد، آیه ﴿وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ بود که جبرئیل پس از نزول آیه به پیامبر ﷺ فرمود: ای محمد! آن را پس از آیه ۲۸۰ از بقره قرار بده» (قرطبی، ۲۴۲/۳). این روایت سه اشکال اساسی دارد:

نخست: سند این حدیث مرسل است و از راویان قبل از ابوصالح در سند یاد نشده است.

دوم: با توجه به اینکه آیه با واو عطف آغاز شده و این حرف به وضوح اتصال کامل با ماقبل خود را نشان می‌دهد، این آیه نمی‌تواند نزول مستقلی داشته باشد.

سوم: این حدیث با نه حدیث دیگر که آیات دیگری را آخرین آیه نازل شده می‌شمارند، تعارض دارد. براء بن عازب آخرین آیه را آیه ۱۷۶ سوره نساء دانسته است. در روایتی، عمر اعلام کرده آیه ربا آخرین آیه نازل شده بر پیامبر ﷺ بوده است. سیوطی از ابی‌بن کعب و نیز ابن عباس نقل کرده که آخرین آیه نازل شده بر پیامبر ﷺ، آیه ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره توبه بود و ابوسفیان گفته آیه آخر سوره کهف آخرین آیه بوده است. بخاری از ابن عباس نقل کرده که آیه ۹۶ سوره نساء آخرین آیه بوده و از ام‌سلمه نیز نقل شده که آخرین آیه، آیه ۱۹۵ سوره آل عمران بوده است. روایت دیگری آیه ۱۴۵ سوره انعام را به‌عنوان آخرین معرفی کرده است. سیوطی پس از نقل موارد فوق، احتمال می‌دهد که آیه اکمال دین (آیه ۳ سوره مائده) آخرین آیه باشد؛ زیرا ظاهر این آیه تمام شدن تمام واجبات و احکام است (سیوطی، الاتقان، ۱/۱۰۶-۱۰۷). قاضی ابوبکر باقلانی در نقد این روایات می‌گوید:

«این قول‌ها هیچ یک منسوب به پیامبر ﷺ نیست و هر یک با نوعی اجتهاد و

غلبه گمان اظهار شده است. احتمال دارد هر کسی آنچه را که خود برای آخرین

بار از پیامبر شنیده است، آخرین آیه تلقی کرده باشد.» (همان، ۵۹)

نتیجه گیری

با توجه به دلایل ذکر شده بر اثبات نزول سوره‌های قرآن و نقد شبهات و دلایل احتمالی برای رد این نظریه، سه نکته را می‌توان به‌عنوان نتیجه بحث اعلام نمود:

۱- همه سوره‌های قرآن یا به‌صورت دفعی نازل شده‌اند، و یا آیات آن به‌صورت پیاپی نازل شده و پس از اتمام نزول آیات یک سوره، نزول آیات سوره بعد شروع شده است. بنابراین همگام با نزول سوره، جایگاه آیات نیز به‌طور طبیعی مشخص شده است.

۲- اصل در نزول سوره‌ها، پیوستگی در نزول است و نزول آیات قرآن به‌صورت ناپیایی و پراکنده خلاف اصل می‌باشد و تنها در صورتی می‌توان موارد استثنایی نزول یک یا چند آیه را به‌صورت پراکنده پذیرفت که در آن مورد، روایات کاملاً مستند و قابل اعتمادی وجود داشته و هیچ راهی برای تردید در محتوا و سند آن وجود نداشته باشد. و با توجه به اینکه نزول مستقل هیچ آیه‌ای دارای چنین مستنداتی نمی‌باشد، بنابراین هیچ دلیلی برای تخصیص اصل عام نزول سوره‌ای قرآن وجود ندارد.

۳- نگرش رایج مبنی بر نزول آیات قرآن به‌صورت پراکنده و ناپیوسته هیچ دلیل محکم و قانع‌کننده‌ای ندارد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به همان ترتیب نزول آیات، آنها را بر مردم قرائت می‌کرده است و آیات الهی بر همان اساس نزول، توسط کاتبان وحی در سوره‌ها مکتوب می‌شده و پیامبر نیز بر کار این کاتبان نظارت می‌کرده است.

منابع و مأخذ

۱. ابن حنبل، احمدبن محمد؛ مسند الإمام احمدبن حنبل، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۲. ابن عاشور، محمدبن طاهر؛ التحرير و التنوير، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۳. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۴. بهجت پور، عبدالکریم؛ شناختنامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، قم، مؤسسه تمهید، ۱۳۹۴ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ش.



۶. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۷. حسینی، سید علی اکبر؛ نظریه وحدت موضوعی سوره های قرآن؛ نگرش ها و چالش ها، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۸. حیدری مزرعه آخوند، محمد علی؛ «عوامل پیدایش آیات مستثنیات»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، سال بیست و یکم، شماره ۴، پیاپی ۸۱، زمستان ۱۳۹۵، ۱۶۵-۱۴۲.
۹. دروزه، محمد عزه؛ التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، بیروت، دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. رجبی، محسن؛ آیین قرائت و کتابت قرآن در سیره نبوی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث؛ سنن ابی داود، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، کتاب العربی ۱۴۲۱ ق.
۱۴. _____؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم؛ مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. _____؛ قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیة، ۱۳۹۸ ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۰. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود؛ کتاب التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۲۲. فائز، قاسم؛ «بررسی نظریه آیات مستثنیات سور مکی و مدنی»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۰، ۱۵۲-۱۲۷.

۲۳. فخر رازی، محمدبن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۲۴. قرشی، علی اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ش.

۲۵. قرطبی، محمدبن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.

۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.

۲۷. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ علوم القرآن عند المفسرین، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.

۲۹. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.

۳۰. _____؛ علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۱ش.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.

۳۲. نکونام، جعفر؛ درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، قم، هستی نما، ۱۳۸۰ش.

۳۳. واحدی، علی بن احمد؛ اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.